پاورقی اقتصادی

آسیب‌شناسی تولید ملی از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی(۵)

سیدابوتراب فاضل
عضو هیات‌علمی دانشگاه کار

■ در کشورهایی مانند ایران که به اصطلاح «دولت‌های رانتی» حاکمیت مطلق بر سازوکار اقتصادی دارند و حتی به دلیل حجیم بودن و پوشش سطح عمده‌ای از جامعه سیاسی، سیاست‌های فرهنگی و سیاسی را نیز تحت‌تاثیر امیال خود دارند، مقوله نگاه نخبگان به تولید و سرمایه انسانی ارزشی دوچندان می‌یابد. برنامه‌های توسعه در ایران قدمتی به درازای پنج دهه دارد؛ اوایل دهه ۴۰ خورشیدی «سیاست صنعتی‌شدن» ایران تقریبا همزمان با بسیاری از کشورهای جهان سوم به‌ویژه کره‌جنوبی، ترکیه و برزیل به اجرا گذاشته شد، اما ویژگی این دوره از برنامه توسعه وابستگی شدید رژیم شاه به خارج از کشور و از این‌رو تجویز نسخه‌های غیربومی برای اقتصاد و اجتماع ایران با هدف رشد سریع و منکوب‌کردن فضای سیاسی جامعه بود. این روند بدون تردید ناشی از نگاه «بیش‌انگارانه» و کاملا «سیاسی» رژیم شاه به ساختار اقتصاد و اجتماع ایران بود. نخبگان سیاسی آن زمان با هدف منجی‌گری و ساختن جزیره ثبات در خاورمیانه طراحی توسعه اقتصادی را البته با کمک دلارهای نفتی و در سایه استبداد سیاسی حاکم به اجرا درآوردند و در این فرآیند اگرچه رشد شاخص‌های اقتصادی هدف بود ولی مقصود اصلی بالابردن سطح رفاه برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و رشد آموزه‌های لیبرالیسم در ایران بود که خود از موجبات فروپاشی رژیم شاه شد. پس از انقلاب اسلامی و بعد از دوران جنگ یک‌بار دیگر «توسعه با برنامه» در دستور کار قرار گرفت. «سازندگی» در حقیقت نسخه سیاسی توسعه اقتصادی بود که هدف آن گریز از تضییقات ناشی از جنگ و پاسخ به مطالبات انباشته شده زمان جنگ بود و نه ارایه یک برنامه منسجم جهت توسعه پایدار. به عبارتی یک‌بار دیگر هدف توسعه‌نویسان «سیاسی» شد و نخبگان سیاسی در واکنش به مطالبات افزون مردم، برخی سیاست‌های اقتصادی را برای چند صباحی طراحی کرده و بدون نگاه به آینده‌ای مطمئن آغازگر راهی شدند که بعدها همگان در اواسط دهه ۷۰ خورشیدی نتایج زیانبار آن را دیدند. طی این سال‌ها رشد سرمایه‌داری دولتی و گرایش‌های سرمایه‌دارانه و افزایش وابستگی به نفت موجب تشدید سیطره دولت بر اقتصاد و رانتی‌شدن بیشتر فضای اقتصاد شد. طی سال‌های بعد افزایش مطالبات سیاسی باعث رویش دولتی شد که عمده‌ترین وظیفه خود را توسعه جامعه مدنی و بازسازی فضای سیاسی جامعه می‌دانست و از این‌رو دولتیان و برنامه‌نویسان در مواجهه با فشار مطالبات سیاسی و واقعیات موجود، استراتژی توسعه اقتصادی را تحت‌تاثیر فضای سیاسی حاکم و به عبارتی گفتمان سیاسی حاکم تدوین کردند.

ادامه در صفحه۶

۳میلیون خودرو و ۵/۵میلیون موتوسیکلت فاقد بیمه شخص ثالث هستند

۸/۵میلیون مرگ سیار در خیابان‌ها

شرق: سالانه بیش از یک‌میلیون و ۶۰۰هزار خودرو در کشور تولید و تعدادی نیز هر سال وارد کشور می‌شوند با این حال سهم بیمه شخص ثالث و مازاد از کل سبد پرتفوی بیمه پس از گذشت سه سال همانی است که بود و حتی کمتر هم شده است.

«سردار اسکندر مومنی» سه‌شنبه هفته گذشته در همایش «حوادث رانندگی و جاده‌ای» با اشاره به وجود ۱۵میلیون خودرو شماره‌گذاری شده تا سال ۹۰ در کشور گفت: پیش‌بینی ما بر این است که تا پایان دهه ۹۰ تعداد خودروهای کشور به بیش از ۳۰میلیون خواهد رسید. این در حالی است که این رقم در ابتدای دهه گذشته حدود چهارمیلیون خودرو بود.

وی افزود: در سال گذشته حدود یک‌میلیون و ۶۶۸هزار خودرو جدید و ۸۱۳هزار موتوسیکلت شماره‌گذاری شدند، همچنین یک‌میلیون و ۹۰۰هزار نفر نیز گواهینامه دریافت کردند.

این آمار به غیر از آمار خودروهایی است که وارد کشور می‌شود و کالای لوکس هم نام دارد. براساس آخرین گزارش گمرک، سال گذشته حدودا ۴۰هزار خودرو به ارزش ۸۲۴میلیون دلار وارد کشور شده که درصد تغییرات آن نسبت به سال قبل از لحاظ تعداد و وزن حدودا ۹درصد و از نظر ارزش نیز هشت درصد افت پیدا کرده است. با این حال واردات خودرو همچنان ادامه دارد.

سهم این رشته در سال ۸۷ حدود ۴۵/۳درصد بود که با اندکی کاهش در سال ۹۰ به ۴۵/۱درصد رسیده است. این تنها حال و روز این رشته بیمه‌ای نیست و سهم سایر رشته‌ها نیز کاهش یافته است. در سال ۸۷ سهم سایر رشته‌های مربوط به گروه بیمه‌های غیرزندگی ۵۰/۵درصد بود که با گذشت سه سال با کاهش همراه شده و به ۴۶/۳درصد رسیده است.

در گروه بیمه‌های زندگی وضع فرق می‌کند. سهم این رشته‌ها از کل پرتفوی صنعت بیمه در سال ۸۷ حدود ۵/۲درصد بود که با افزایشی قابل ملاحظه به ۸/۶درصد در سال ۹۰ رسیده است.

بیمه شخص ثالث به دلیل زیان‌ده بودن رفته‌رفته از سبد پرتفوی شرکت‌ها به کناری گذاشته می‌شود. در حال حاضر تعداد قابل توجهی از شرکت‌ها سهم این رشته را کاهش داده‌اند تا زیان بیشتری را از بابت فروش این بیمه‌نامه متحمل نشوند. البته شرایط اقتصادی نابسامان و تورمی که هر ماه بیشتر از ماه قبل می‌شود عرصه را بر مردم تنگ کرده به طوری که بسیاری از افراد از بیمه کردن خودرو خود سر باز می‌زنند. تکلیف موتورسواران هم مشخص است. آنان موتور خود را با مبلغ اندکی می‌خرند و به همین دلیل نیز راضی نمی‌شوند که مبلغ بالای حق بیمه را بپردازند که هیچ تناسبی با قیمت موتور آنان ندارد. این امر به‌ویژه در دو سال اخیر شدت بیشتری یافته است. یعنی زمانی که نرخ دیه به شدت افزایش یافت و به تبع آن بر حجم تعهدات بیمه‌گران نیز افزوده شد و حق بیمه‌ها هم بالا رفت. در چنین شرایطی بسیاری از افراد ترجیح دادند از بیمه خودرو و البته موتوسیکلت خود صرف‌نظر کنند

آمار رییس‌کل بیمه مرکزی نیز این گفته را تایید می‌کند. محمد کریمی اخیرا گفته است: از هفت‌میلیون موتوسیکلتی که در کشور تردد می‌کند حداکثر یک و نیم‌میلیون موتوسیکلت دارای بیمه‌نامه شخص ثالث است. یعنی ۲۱درصد موتوسیکلت‌ها بیمه‌نامه دارند و ۷۹درصد مابقی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث هستند. بنا بر آخرین آمار موجود ۲۰درصد خودروها هم بدون بیمه‌نامه در حال تردد هستند. یعنی از ۱۵میلیون خودرو موجود در کشور سه‌میلیون خودرو فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث هستند. با این حساب ۸/۵میلیون وسایل نقلیه موتوری که معادل ۳۹درصد می‌شوند، در کشور بدون بیمه‌نامه تردد می‌کنند که هر لحظه ممکن است موجب تصادف منجر به فوت و جرح شوند. پیشتر برای ترغیب موتورسواران به خرید بیمه‌نامه، حق بیمه شخص ثالث کاهش داده شد و حتی از روش‌هایی مانند پرداخت قسطی و تخفیف هم برای خودروها و هم موتوسیکلت‌ها استفاده شد. با این حال این نیز کارگر نیفتاد و قرار شد ماموران راهنمایی و رانندگی به محض رویت وسایل نقلیه بدون بیمه‌نامه سریعا آنها را متوقف کنند. گویا این نیز مثمر واقع نشد و حالا این میزان وسایل نقلیه با خیالی آسوده و بدون بیمه‌نامه در حال حرکت هستند.

وضعیت اقتصادی حتی سایر رشته‌های بیمه را هم تحت‌تاثیر قرار داده است. در هر حال بیمه‌گران در چرخشی به سوی بیمه‌های عمر و زندگی می‌خواهند سهم این رشته را در پرتفوی خود افزایش دهند. محمد کریمی هم که جای فرشباف، رییس‌کل پیشین بیمه مرکزی را گرفت در همان روزهای اول آمدنش بر این رشته تاکید کرد و بنا را بر توسعه بیمه‌های عمر و زندگی گذاشت. حذف سقف سنی از این بیمه‌نامه یکی از اقداماتی بود که او انجام داد. البته کارشناسان صنعت بیمه معتقدند تا تورم هست آن هم به شکل لجام‌گسیخته فعلی، نمی‌توان چندان به آینده این صنعت امیدوار بود چراکه رشد صنعت بیمه را کند می‌کند.

عکس: جام جم، محمد زائرینیا

معاون نظارت بیمه مرکزی: نرخ بیمه شخص ثالث عملا آزاد شده است

موج: معاون نظارت بیمه مرکزی گفت: تمام شرکت‌های بیمه‌ای می‌توانند بیمه‌نامه شخص ثالث را ارزان‌تر هم ارایه دهند. «رحیم مصدق» معاون نظارت بیمه مرکزی طی گفت‌وگویی با خبرگزاری موج اعلام کرد که عملا نرخ بیمه شخص ثالث آزاد شده است. وی افزود: آزادسازی نرخ بیمه شخص ثالث به این ترتیب است که چون از دیدگاه دولت و حاکمیت این بیمه، یک نوع بیمه اجتماعی است بنابراین دولت حداکثر قیمت بیمه را تعیین کرده و ارایه قیمت‌های پایین بیمه را در اختیار شرکت‌های بیمه‌ای قرار داده است. معاون نظارت بیمه مرکزی تصریح کرد: اگر تعبیر ما از آزادسازی این باشد که اجازه داده شود شرکت بیمه بالاتر از نرخ‌های مصوب دولت از مردم حق بیمه بگیرد، این نقض غرض است. وی ادامه داد: مردم به دنبال این هستند که بتوانند بیمه شخص ثالث را با قیمت پایین دریافت کنند بنابراین عملا آزادسازی بیمه شخص ثالث صورت گرفته است. به گفته مصدق، در حال حاضر شرکت‌های بیمه‌ای براساس شرایط بیمه‌گذار و پرداخت، حتی از قیمت‌هایی که از سوی بیمه مرکزی اعلام شده به بیمه‌گذاران تخفیف‌هایی را اعطا می‌کنند که از نظر ما در چارچوب موازین قانونی است. این مقام مسوول در بیمه مرکزی به مجموعه عوامل موثر در جلوگیری از توسعه حوادث رانندگی و کاهش نسبت خسارت شرکت‌ها اشاره کرد و گفت: براساس آمار پزشکی قانونی سال گذشته کاهش قابل توجهی در تعداد فوتی‌ها، مصدومان و مجروحان داشتیم. وی اضافه کرد: اگر تعداد مصدومان، مجروحان و فوتی‌ها کاهش پیدا کند، شرایط رقابت به نحوی خواهد بود که شرکت‌های بیمه این امکان را پیدا می‌کنند که نسبت به کاهش حق بیمه خود اقدام کنند. معاون نظارت بیمه مرکزی در پایان گفت: از نظر ما هر شرکت بیمه‌ای که بخواهد می‌تواند بیمه‌نامه شخص ثالث را ارزان‌تر بدهد و اشکالی در این رابطه وجود ندارد.

سهم دو رشته بیمه‌ای از کل پرتفوی صنعت بیمه در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰
حق بیمه تولیدی: میلیارد ریال/ سهم: درصد

رشته	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
شخص ثالث و مازاد	۴۵/۳	۴۳/۲	۴۱/۰	۴۵/۱
زندگی (عمر)	۵/۲	۶/۹	۷/۹	۸/۶
سایر رشته‌ها	۵۰/۵	۵۰/۱	۵۱/۱	۴۶/۳
حق بیمه تولیدی	۴۰۵۶۱/۰	۴۶۴۳۸/۲	۵۹۱۶۲/۰	۸۷۳۲۱/۲

گذر

مجلس هشتم و تضعیف نهاد برنامه و بودجه کشور

■ **شرق:** تضعیف نهاد برنامه و بودجه کشور که در پی بروز اختلافات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق با احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۵ شروع شده بود، امروز با الحاق دو حکم به احکام بودجه سال ۱۳۹۱ توسط مجلس هشتم و در واپسین روزهای عمر آن، ابعاد جدیدتری به خود گرفت. «فرهاد رهبر» هنگام خداحافظی با این نهاد، با واگذاری بخشی از وظایف این نهاد (تخصیص اعتبارات) به سایر دستگاه‌ها، مقدمه برچیدن این سازمان را رقم زد. حضور «برقعی» در این سازمان با تغییر تشکیلات از سازمان به معاونت، کوچ و انتقال کارکنان این نهاد به دیگر دستگاه‌ها، بازنشستگی پیش از موعد، ظهور موضوع کتابچه بودجه در جیب، اختراع دستگاه اصلی و فرعی و... نمود پیدا کرد. نتیجه این اقدامات، نحیف و ضعیف شدن این نهاد بود. اما واگذاری وظایف عمده و جدید در برنامه پنجم توسعه به این نهاد، بارقه امید جدیدی را برای برنامه‌ریزی و بودجه کشور رقم زد. این امید چندان پایدار نماند و مجلس هشتم با تصویب دو حکم «واگذاری وظایف و اختیارات و مسوولیت‌های معاونین رییس‌جمهور به سایر مقامات» و «عدم مبادله موافقت‌نامه هزینه‌ای و عمرانی» تن رنجور و ضعیف نهاد برنامه و بودجه کشور را در آستانه مرگ قرار داد. در اوایل اردیبهشت‌ماه سال‌جاری، دولت با مصوبه‌ای تمامی وظایف معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در شوراها، مجامع، کمیسیون‌ها، هیات‌ها و... را به وزرای ذی‌ربط منتقل کرد. و امروز مجلس هشتم با تصویب واگذاری وظایف و اختیارات معاونان رییس‌جمهور به سایر مقامات مهر تاییدی بر این تصویب‌نامه زده و آن را قانونی کرد. حضور نهاد برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در کمیسیون‌ها، شوراها و... به معنای توجه به قوانین (به‌خصوص قوانین برنامه و بودجه) و اعمال آنها در تصمیمات بوده و هست و عدم حضور آن می‌تواند به نتایجی همانند از هم پاشیدگی نظم اقتصادی به‌ویژه در رابطه با فعالیت دولت، اختلاس‌میلیاردی و... منجر شود؛ چون باب قانون‌گریزی در بسیاری از تصمیمات و مصوبات چندسال گذشته بیش از پیش مشهود بوده و هست. شورای پول و اعتبار، شورای اقتصاد، شورای‌عالی فنی، مباحث مربوط به ترک تشریفات، مجامع بنگاه‌های دولتی و... از مهم‌ترین مراکزی‌اند که نهاد برنامه و بودجه در آن حضور می‌یافت. همچنین اعمال حکم عدم مبادله موافقت‌نامه می‌تواند منجر به عدم شفافیت، گم شدن اطلاعات مربوط به اعتبارات بودجه و برنامه و عدم امکان تهیه گزارش‌های عملکردی برای دستگاه‌های نظارتی و... شود. مراکز پژوهشی اقتصاد، نبود اطلاعات جامع و صحیح از بودجه و برنامه را (حداقل در چند سال اخیر) گواهی می‌کنند.